

هرداد ۱۳۶۲

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران — شاخه کودستان

دوره جدید شماره ۹

چگونه بورزوای از مردم پیشگشتند

مقدمه

پیشگفتاری اسلامی ختنی میکند

از تھا عی جهود ریا صلی ختنی پیشگفتاری اسلامی ختنی میکند

کنفرننس آشنا و خود را به انقلاب ایران

با فرمان جهاد خیزی ملادوی ورش

بکرستانا نظریه رسانی غازنی میکند

در آمرداد ۱۳۵۴ ایران رژیم ارتقا عی

پیشگفتاری اسلامی ختنی تلاش هم

چا شبه خود را آشنا کر فتنه را با تکیه

برخوبی قدرت و مدد حمله سازمان

تازه همراهی را بدست آشنا

را افتد و در این راه دستگیری اشغال

ایرانی خواهی را داشت

از مدنیت پیشگفتاری اسلامی ختنی

خلیق کیهانی ختنی را من دعی

در صفحه ۷

سبت کارگو هله

برای تشکیل حزب کمونیست! (۲)

شایعهای خوبینهادی

شعری از زاده شهید اطهار

پیشگفتاری اسلامی ختنی

برخوبی اندیشهای مردادمه

رابخوانید

این بورزوای است گه فقط
تلایش دارد از کنونی هم
ایده آشنا و غیر

قابل حصول بآزاده
پرسیدنی است که جرا

نویسندهان زیستهست
که این همه اندیشهای خود میگفتند

و با لاغت تمام، وجہه
و خطوط اسلامی متناسبند.

را ترسیم مینمایند.
سلامت دچار میشوند و
نه منافیزیک میغلطند.

در صفحه ۸

الحمد لله رب العالمين
لله ولی علیہ الرحمۃ الرحیمة

هرسیگی که از تاریخ مبارزات
افتخاری ایران رقم زده میشود ما شوهی
از شیراز و شیرینها و شندیجهای عیت
پیشگفتاری اسلامی ختنی میکند

کنفرننس آشنا و خود را به این شاهزاده

نگشته ای از کنونی ختنی

تحاری خود را به خشم میخورد

چهره تاریخ رهبری منقار

میشود ما در هر حال بیان نکروند

و مشقات طولانی توده ها، افتخاریزهای

رموقیت و سرافرازیهاست

نا دفعاً قیصر را شهای توده ها سخن

در صفحه ۲۰

چگونه بورژوازی

از هر قدرین استفاده می‌کند؟

تشها از عهدہ پلیس سیاست خانه است.

و حققتنا امروزه این شوال مطرح می‌شود که آیا معاہدین حلق پس از آن با سورژوازی به جهان سلطان کشی سقوط کرده! اندکه عهدہ دار رفاقت پلیس

می‌باشد و این سوزرازی بین احتلای شه

آنده! برآستی چه خوب عمل ناشایه رجوی برده، هارا گذاشتند.

امروز تما دشمنان داخلی و سیاسی اعلی طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش مردم

ایران اتحاد آشنا و پیشنهاد برای نا بودی سازمان چریکهای فدائی طبقه کار

ایران این سکم استقلال طبقه کار گران و مظہر مقاومت انقلابی و دفاع از منافع و امام کارگران و زحمتکنان -

ایران بسته اندفاف و آشنا را باخت.

مجاهدین طبقه برای اجرای توطئه‌های

کشید و نشان خود را تنها دست بسک عمل بلیسی جاسوسی دندوبی نظری

ماهیت اعمال خود را برای همگان

افتاده نمودند بلکه برای اجرای این

توطئه عنصری را انتخاب کردند که

ماهیت خدا رکری آن بزمگان آشنا

شده است. ماهیت مشول سابق شاخه

کردستان برای کلیه اعضا کارهای

سازمان و حتی هر هوا در سازمان که

گذارش نمود کردستان افتاده باشد و شون

است و کوچکترین شریدی برای کسی

وجود نداشته باشد لکه نشان داده

از دام سازمان فدائی زد و شود و ن

چنین نیز شد. کارنا مهیا با اندیشید

نشان میدهد که وی جامل یکدیدگاه عموم

طبقه بود که خود را در جسمهای مختلف

ساقیان ید شولزیک سیاسی و تشکیلاتی

نشان میداد. از دیدگاه چنین عنصری

همچونه تھامی میان منافع طبقه

کارگر و سورژوازی خود وجود نداشت. کارگر

ما در همه جا و تحت هر شرایط می‌باشد:

آن را مزندگی رفت با رخداد رکار سرما بیشتر

دهد، ذهن و فکر کارگران را به نشانه سکشاد و مانع از تسلیم آنها به

پیشگویی تکفه کارگر کرد. بورژوازی دو علاوه خدا نفلاتی است تا از طریق

سورژوازی در جنگ طبقه کارگر -

محبوب می‌شوند، مسازه منحدر شکل

شکل کارگران را بانحراف یکشاند.

در مفهوم واحد آنها کافایا باید کند و صاروره آنها را بینکت بکشاند.

استفاده شایعی نیز از مردمین شکل

کارگری از مسازه بورژوازی علیه

تفصیل کیته مرکزی سازمان چریکها

قدای خلق ابران منی برا خواه -

آنها میزین مشول سابق شاخه

که ختم و غضب مخالفی دارهای

سازمان و حتی هر هوا در سازمان

جا هدین خلق خلی را بران گیخته است.

این مخالف تلاش دامنده ای را آغاز

کردند آنها را این عنصر مرتد مطرود و

آخر چی سازمان خدا اکثر سره بردند

را بکند. مجا هدین خلق که ورثتگی

خود را در عرصه سیاست از مدتها پیش

می‌باشد که این دلایل سندوخت و سازش طبقه آنها

در جمیعت کشاند سازمان چریکها

قدای خلق ابران بدمال حظ نی

ش را داشت فطیم و سروش، است ایش

خورد و سایوس تلاشی مذسوحانه ای

را که سانگر عمق فا دوور شکستگی

حلاقی آنهاست آغاز نموده اند و سا

شیوه سه اعمال جاسوسی - بلیسی و

استفاده از شیوه های شهاده و خمسی

ما خنده در جمیعت اسعاذه بلیسی و سهره، بر

داری تسلیفاتی ای زعنای مرسریده و مرند

مشحاتی ای زنشریه مجا هدر ادراحتی

جهیزی عنصر مطرود و احراء خی سازمان -

قرارداده اند تا ناید بی مطری

سته ای ای

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

نه خود علیه طبقه کارگر ایران و عصر

بینا هنگ آن سازمان چریکهای فدائی

خلق ایران حامه عمل بوشند. معاہدین

خان بمعوض باسیح گوشیه مسائلی

که از سوی سازمان ماطرخ شده و مستقیم

و سرپوش اشغال ایران و توده های

زحمتکش می‌باشد ما مرسوط می‌شود. دست

سازمان اعمال سنگی میرندگه

چگونه بورزوازی ارمد

که میگوند سازه توده های مردم را
به انحراف بکشند در خط آمریکا
فلمنداده مینکنند. کارگران و زحمتکشان
رجوی مدافع سیاست ستمگری طی
سراپسا بران فرا موش سفیکشند و قتی
که ما بمسار زده علیه رژیم مذاقلابی
جمهوری اسلامی سرخا شیم حزب توده خا
عن بیرون های انقلابی را که سما پر زده
علیه رژیم سره است سودند در خط آمریکا
فلمنداده مینکردوا مرزو هم شیوه برخورد.
این عصر کثیف نیزه همین نکل است
آن بیرون شیوه سرخوردنیز فراست و نزدیکی
اصیق اش را در خدمت گذاری به بورزا
جمهوری هستیم در حالیکه آنها این
ملتهاي تخت شاهزاده ایران برسیت منی
شناشد.

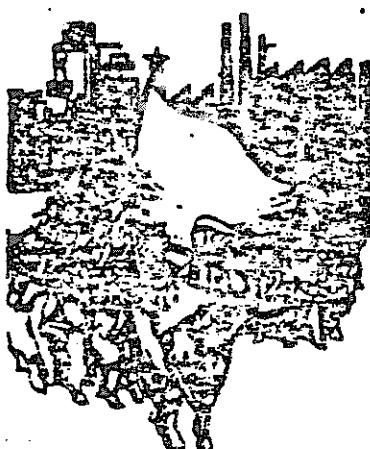
ما خواهان جدائیک مل دستگاه دولت
از مذهب و اعلن این بیرون امر.
هموی هستیم در حالیکه آنها این
امروزه دیدار مخالفت میورزند و دلیل
آن بیرون شیوه سرخوردنیز فراش این
اصیق اش را در خط آمریکا معرفی میکند.
ایران را در خط آمریکا معرفی میکند?
ایران را حزب توده شناخته هدما او بنه
چه علتی سازمان چریکهای فدائی خلق
ایران را در خط آمریکا معرفی میکند?
ایران دلیل که ما علیه اتحاد مجاہدین
نمی در خط آمریکا هستند.

بهرحال سعادتی خلق که یک لحظه
وینی مذر، شفیعیت مجاہدین ازینی صدر
از دشمنی و توطئه علیه سازمان نما غفلت
نکرده اند. بین از اخراج مسئول شاخه
کردستان از سازمان تلاش دامنه داری
رایا زنمودند که از این عنصر مرتد
مطروح در خدمت مقاومت وطنی گرایه
خود داده اکثر استفاده را ببرند. اور ا
بعنایه یک شخصیت مبارزه جنگی
بزندوبسیں اهیانا اور اینها
سازمان چریکهای فدائی خلق! ایران
خشی از آن وغیره وذاکر و در حقیقت
بنخوان شاخه سازمان مجاہدین علم
کنند. اما آنها نکلنا شایانه ای عمل،
کردند اعمال پلیسی. جاموسی آنها بر
ملأکر دید. آنچه که رهبری همراه ازمان
مجاهدین خلق علیه سازمان ما انجام
داده، شناخت داده چگونه بورزوازی
به شیوه ها و شکال گوناگون از مرتد
ین استفاده میکند. این خود رسمی
است برای ما که عینقا به حقیقی و مو
قفیت سازمان چریکهای فدائی خلق
ایران پی سریم و آنها با شیم کسر
بورزوازی برای ایضا؛ در آوردن -
این ذر تغیرنا بدیزیر کارگران و -
زمحتکشان سرا بر ایران از همیتلان و
توطئه خدا انقلابی خود داری نخواهد کرد
تنها و تنها هوشیاری ما میتواند تمام
توطئه های فد انقلابی دشمنان طبقه
کارگروندشمنان متعدد ازمان چریک
های فدائی خلق ایران را در هم
شکنند.

ما سرحدداش و تشکیل دولت مستقل
هستیم، در حالیکه آنها بینی مدر -
فلمنداده مینکنند. کارگران و زحمتکشان
هستند و حق شیوه سرخوردنیز
ملتهاي تخت شاهزاده ایران برسیت منی
شناشد.

خط و مرز سازمان انقلابیون حریق،
توده هوا دار را در هم بیرشت، این یک
تشکیلات خرد سوز را شیوه بسیاری است
تشکیلات پرولتیری دفاع میکرد. بین
روشن میشود که چرا سیرالیم میباشد
تیپ و پوسیده از سلطنت مکتا ریسم سر
سازمان مخفی میگوید. بنا بر این شیوه
بل ساقی خواه از خطاب دشولوز یکسان
سی و شکیلاتی سازمان مکلی عدو لشوده
شود. دیگر جای یکاء و در در رور سازمان
سود و تصمیم کمیته مرکزی سازمان سر
اغراج ویا قدما میکار ملاعقو انتلاسی
بود. بیلاوه وی در موال ددیگر نیز
مرتکب تخلفات سازمانی شده بود.
مسئلیت مستقیم شهادت ۱۰ تن از
رفتای پیشمرگه در بین ماه سال
گذشت از عمله شهادت رفیق مسعود
رحمتی عضو کمیته کردستان و مسئول
نظم شاخه که پکیا ز مخالفین خط و
مشمول شاخه بود. اخراج و تصفیه
مالکین، ایجاد سندی در مقابله
رفقا میکار از خط و متنی سازمان دفاع
سیکردند. اقدام غیردستکاریک
خلع للاح گروه هر مزگان و تخلعه
شعدد دیگری که کاملا در حکم اخراج
برده درده مورد ذکر شده است. عین
ترددیدی در مورد حقایق اخراج وی
ساقی نمیگذاشت. اما اگر شاکن
سرای کسی ما هیبت فرصت طلبانه ای
عنصر شاخه مانده بود
ما اظهار وفا داریش به خط بینی مذر -
رجوی بنا شوشن توبه نا میبرای رجی
و اینای نقشیک جاسوس، دیگر سرای
هر آدم اندک آگاهی ترشیه ساقی سعی
شده که اخافن است و باشد اوابه
متایه بیکارش سرخوردنیز
حقیقتا چه کسی جزیک مرتد خواه میتواند
اینچیز حقیرانه ورنونه سبای -
سوی سی مدرس رجوی سرود. علیه نیروها
انقلابی قلمفراسی کند. ما در اینجا
تهدید ریمه را جیفی که این مرتد
حاش در تشریه مجاہد طرح کرده است
با سینه همیم. جرا که خود نشونه های وی
علاوه با نیز خان را مایدیگونه ای
دیگر داده میقدور در اینجا اشاره کرد
که وی نیز هم اسدتما می مردین و -
ملین بورزوازی از عمله حزب توده -
عمل کرده و به همان شیوه های متول
شده است. نه تنها به جاسوسی پرداخته
است بلکه سازمان را مهذلیل دفاع -
رصد و سیاست مستقل طبقه کارگران
دیاع ازینها مهذلیل پرولتیرایی دارد
انقلاب دستکاریک و میگردد مخالفند.
ما خواسته ساری میسری سیاست ستمگری
ملی. و سریع شناختن حق تعصیت
سرخور برازی ملتهاي تخت شاهزاده ای

است سازمان را مهذلیل دفاع -
و اینها ای امربالستی و سرخور برازی
با این معاشره و ملی گردن مخالفند.
ما خواسته ساری میسری سیاست ستمگری
ملی. و سریع شناختن حق تعصیت
سرخور برازی ملتهاي تخت شاهزاده ای



بود چشم‌گشایان سرخوب شد، ادرنطفه
سخن‌داد موظک که باز نداشت "آنها در
جهانیا یکباره"؛ این بخواهد آورد؛
آنچه‌یم که در اینجا مذکور شد جهانی
حوال را بپایان بینه که بخوبی باطبقه
کارگران و جهانی بینه باز خوش
لایق قرار داده باشد استرفتای کوخطه
طلب کرد سلطان را بهای یکاه حلم —
برخلاف طایی جهان تبدیل خواهم کرد"؛

سخن‌داد رساناعلام میکند؛
"کوچکیست، کوچکیست، این که نیست
باید نباشد"؛ کوچکیست اینست "امروز —
آن بروند بخوبی نمی‌بینیم ناصیح بالطل
دارد"؛ این دلخواهی کوچکیست "ظکر
از خودست"؛ بسوی موسیالیست‌شاره
و دوسته‌الکربلا را بخوبی می‌خواهند را عن
د و بروند بخوبی خود را بخواهند هر چهار ساعتم ۰۰
حال اگر کسی بگویند که این جهان باید به
جهانی که تراویض البطل کوچکیست غیر
دانسته باشد، بخاطره این اخراج بخوبی
و طایی خودخواهی است و بخواهد مارا
خوب بخشد"؛ بسوی موسیالیست

شماره ۰۰ ظکر از نیست

آری این دلخواهی را بخوبی که این نیست
کوچکیست و بعنی باعقول خود را چند ده
سال زیج زیاله ریزی و قیسم شون بوده اند
و چگونه بکار شریعت از نظام بر میدارند
که بخوبی را بر از محل و داد کنند شنید
و شنید که بخوبی بکش محل ریختنکی
در صفحه ۶

بنی اسرائیل هنوز گهواره‌اند بهمه
یا غرا ترکذا اشتوتفتاد در پنهان گیری بهمه
بمعنی نائل می‌باشد و در شناون مارکسیسم

کاربر ترمیرای بخانه‌خواه، که میدن آن خود
لباس مارکسیست در آینه "ماهیه‌ها" که من —
تجربیات مصلی، مهاریا تهات تقلاهی، برولتاریا
جهانی نهاده، والردان غیری، اینه غنیمت
— حای سرخناس طریق را الفشار کرد

است، نه تهاده ماعنی داد این فتحیکن —
بزرگ اند پنهانی، بوزنیانی بخانه‌خواه
کوچکیست، انتزاعی‌تان اول، باقلاب
اکبر و انتزاعی‌صونال، بخواهانیانی است
رساند طاست، بلکه بخیا پهلوی و بخانه‌خواه
از همیشندست همه شغلان، موسیالیست
همانان که بخواهند خود را کوچکیست
جایزند، دست همه اینه غنیمت‌های
وطعن باز از کرد طاست، اشتئام‌پیشان
بزرگ خواهد بود اگر فکر که بخواهند کار
سخن‌داد با اشاره بخط نیست که بخیست
بین البطل اول، «انقلاب اکبر»،
— البطل سوم، «نقاد علف، طریق‌خیستی
راد روند پیوسته‌کاری می‌بودند

مادیسم در نظردارند، قتل کافر است
یکباره بکار رانهای بسیار بدان بخوبی
تاریخی که بخیست از از ایسته و میزند
کجا جهان دارد، و امروز مرکز ادام جنیش
علی انقلابی برولتاریا راهی‌گیری میکنند، یعنی
ثبات احاطه پاسخ ترتسکی ها، بخاطرها بسبا
نیکولا سبا و ۰۰ همان جهشیزد، دانسته
آهسته در بخیش شهادتیکی و

کمونیسم هنوز در حد بلکه بکار پیشانی
ماند طاست، مارکسیسم شخونهای بده بخیه
اجتنابی تبدیل نشده در همیشی که بخیه
بمیزونی شریده همچون زبانه‌خواهی
طبیعت کارکرده بخواهند داد، آنچه‌یا
با حسرت پاسخ خواهند داد، کمینیسم
هرجا و هریار کسی لذت کرده، بخلاصه

سیکیار کرمه‌له
برای تشکیل حزب کمونیست (۲)

چرا، کوچکیست زند، مخفی و متمام یافته
آنها در عالم همکار بود پس این جان، —
مشجع و لا پیشیر تبدیل می‌شود، چرا
کوچکیست "آنها از نر نامه آفل کونیستها
سی جهانی بخی طلاقیست کوچکیست
شکنن جز در موارد بعد و طلحه‌های
کوچکیست طبع تاریخی هیچ کیفیتی
نداشیده است، چرا کوچکیست
پس از زند یا بهمکه و سیمیرن هنوز از حمل
بلکه بخیش فراز نرفته است؟ یا سخ همه
این سیاههارا خود خویست کان دارد —
این رشیست از قبل آماده کرد هاند،
آنها غیر بد رستی با عن سوالات‌ها سخ
می‌خندند؛

"این عکرا نعتکاس وضع منطق خرد،
— بخیطشی (بخیه خد بخیه واشی) است
که از کوچکیست می‌براید بازشکل مشتعل
برولتاریا انقلابی و اهدارد،
این کوچکیست منافع طلاقی اشاره پیشوهای
کیوانی و لیواری است که از غفت مرشد سوسیا
جهنم و حشت دارد،

کراشیش همچو، رطوف تاریخ فلاش —
کوچکیست، کوچکیست، موسیالیست و
اهداف و آرمانهای برولتاریا را بیست
امروزیانی، این قابل دسترس و آسانی —
مبدل ساره ۰۰ این کراش نیزه‌هاست —
 تمامی کراشها تاریخی در جنیش طلاقی
کارگریک امروزه‌لیه و ناشناخته‌خیسته
باره‌ی اینه اینه تهیه تهیه بزرگی از
جلد کاریتکی، یلخانه، ترقیکی و ۰۰
این کراش را بمورت بسیار انسجام
یافشند، سیستم تیک توستیر نهشده متر
ارائه کرد هاند ل،
اگر در را و اخیرین نوزد هم‌الهای آغاز
شون بستم بخی همانکنون کنتم سالها

(لئن بیماری نو شی جپیوی تاکید از لین) شما "یک "جریان معتبر مبارزاتی است"؟

اما سهند طبی از کمونیس و چنیش طبقه با کدام آماروار قام ثبات میشود که "در صدر کارکردن میگوید کنگویا مبارزات مستمر وظیفه فردستهای توانند و درست — اثربیان یزد و سهند بود طبقه که

سازما نی که تهدی موسمی از زیرم در این نجات خود را در رشک و مبارزه تحت پرچ آن جستجو میکند"؟

شایرای اینکه خود شان را بزرگ کید چرا بالین تعاریف اعراب آشیونکو طهرا — کوچک" میکند. مگر خود شان نویگویید: "سبک کار کوچک هنوز کمونیستی و اصولی نیست و این مسئله پست که خود رفقاء کوچکیان واقع است "شکل داد و پیش ام بهمن را نکنیمه هلا کرگی، و صحت میلیونی در آن شرکت داشت، سازمانه کی نموده است" در غیر این مخصوصیت فقط یک جزو هداقت و کی درست نفس لازماست تا سینه شتر شرایین آسانی با پا بشویم دنیا یافته شد [ونتوید]: "ما کمیستها بس کمین الال کوچکیست را راز پنهانها پس هر چندی نیمی دهند و شوی صلح — انتلافی، واقعاً سیز همانجا بید" بدین معنی، کفانا را بینانی نهم قرن شکجه و غیرها نیمی ای پیسا یقه، قهرمانو انقلابی بی نظری، از زیری تصویر ناپذیر، تغییر اکارانه علم آوری، آزمایش در عسل، دلسردی بیزی و دیواری وارسی وفا یافته استجوبت را، تحصل نمود ::

بلشیویسم "بروی این خوارانی شوی سلا" بدید آید تاریخ عطی پا نمود مصالحای بکنارانید که از طلاق غذا تجربه در جهان داشت. "اکنون ما تجربه بین اینکیم: برای آنکه جوهر متفاوتی، تجلی کامل اراده گرایی و ایدالیسم طاکیه نظرگرفت فلا سنه سهند را بشناصیع فقط به جذب کوتاه هی، از نقطه نظرات لئن که پس از جمع پنهان تجارته ۱۵ ساله بشویسیدان دست یافته بود اکتا —

"برای روسیه تاریخ بدست آوردن مارد کسیم بعنوان یکانه شوی صحیح — انتلافی، واقعاً سیز همانجا بید" بدین معنی، کفانا را بینانی نهم قرن شکجه و غیرها نیمی ای پیسا یقه، قهرمانو انقلابی بی نظری، از زیری تصویر ناپذیر، تغییر اکارانه علم آوری، آزمایش در عسل، دلسردی بیزی و دیواری وارسی وفا یافته استجوبت را، تحصل نمود ::

بلشیویسم "بروی این خوارانی شوی سلا" بدید آید تاریخ عطی پا نمود مصالحای بکنارانید که از طلاق غذا تجربه در جهان داشت. "اکنون ما تجربه بین اینکیم: این جهان داشت؟ او کاد ام اشارات — عین آنکه شوی سر خنثی داشت؟ شما "فریاد" اینقلاب را با کدام آنکتیکها و شطرهای ای مشخص بگیر جهانیان رسانده اید؟ نتش پنده دمالعشاد رانقلاب ایان جهان داشت؟ او کاد ام اشارات — عین آنکه شوی سر خنثی داشت؟ شما بیلیسیم رایران دفن شد. "شکم خود شان و مدهی سی نیستی، که این دهن ش بروز بولیست بود با، بس شد که شد شان هم محصول روند خود بخید؛ این گرایش بیدید با، مواقیع بخونید ببینیم، بطاعتبارک ام سابقه مبارزه اقو تاریخی و مسن انقلابی، "جریان

بلشیویز در بیمار و طولانی با انقلابیگری خواه بخواه رشد یافت، قوام ترفته و باری بیشتر نداشت" ::



تحرسه هزب کونیستی نیست هم
تحریفات نیو اگنی هزد که هیچیک
از آنها را درست نموده، ناشنخده -
لایخ یا این صورت نیست -
تون خاند «صوت ملت»
هزب کونیستی آن شکنی سایی
ایستگاه اهداف دشمنی، کونیستی
را پنهانی ادا نماید و شوارا تخداد میکند
و لذا اهریشکی کاراً هم اهداف
و شیوه اشاره نماید، آنرا از آن خود
پنهان نماید و شوارا تخداد نماید
لایخ یا این صورت نیست -
امیر خود را برشاد، یا هزب کونیست
است - چونی، صوت المیهم شماره
آنچه هزار زبان است -

بلطفه هیئت انتخابی هزب کونیست اهداف
و شیوه اشاری کونیستی را پنهانی ادامه
کی را برشاد، تخداد نماید و شوارا تخداد نماید -
الایخ این اهداف را باشد - بعنوان
هزب هزار، کونیستی ایجاد آن کونیست
این اهداف اینها را تخداد نماید و شوارا تخداد نماید
الایخ این اهداف را برشاد، تخداد نماید -
بیان این اهداف و شیوه ایجاد آن از انصار
کونیستی جدا شدند، که اهداف و شیوه ای
کونیستی لایخ کرد و شیوه ایجاد این اهداف
از اینها خود را برشاد، این هزار نمیتوان به
آنها هزب کونیستی اطلاق کرد «اگر
جهنم باشد هست اگر مکوند لجن و
سازمان انجیاد سازمان در اصل بقیه
کاریستی هزب هزب کونیست نبود -
آنها ایجاد از اعماق دریمهای
روشنگری کنند طی مارکسیست بودن -

لایخ هزب را برشاد، اینها هم ایجاد هزب کونیست
میشوند و شیوه ایجاد آنها هزب کونیست
پنهان نماید و شیوه ایجاد آنها فرانسوی نیز
آنها سوزن را علاج نمایند -

منابع تولیدی درشد کرده، گشتری
پافتوبیاعن آنچه هزب کونیستی خواهد داشت
جها غیر اینیکی مطیع و مذکور تری باشد خواهد
انقلاب را آزاد نموده، اتفاق بخششی و ساخت
بیشتری گرفتاست -

انقلاب اکبریه شلان شهر سپاه تکرار
شکست دهن اینها نیست (هنا نظر
که انحلال انتخابی سیونال سه هزار تنی میباشد
با انحلال انتخابی سیونال دو معاشر
شود - حتی جهانی این هزار تنی را هم نمیتوانند
انقلاب اکبریه استوار ساختان نمیتوان
لیم در کشور شوروی را نشند -
تکامل کونیستی هزب دلیل، نه نزد همی
میر تعالیتی برولتاریای انقلابی است که با
مراحل تکامل جامعه این میباشد
طبیعتکارگی بیوند بسیار منطق و مستند است
دارد «اگر غیر این بود تمام کونیستی های
جهان تک تک هزب بودند خواهند هزب
کونیستی هزب هزب نه این است
که منیستی هزب هزب نه اکنون کاریه
است، اکنون میکند نه، «حالات فی نیست
که سیونال در بر نمایند هزب کونیستی نشود
بجای پرداختن بهمین حزب میباشد از
ایران بخصوص ختم اسرارها بودند
بطوطام اکنون بیزد راز و تخفیات شفیعی
داری ایران و تائیان برویوس بر مامنه
سخن بیان نمی آورد - سهند همانقدر
از شناخت سرها بیداری ایران پیگانست
است، که بسته بیرونی های جنبشی
کارکری ایران بیگانه همانند نیست -

همانقدر رایسم ما بیداری کلی و ناپنهنی
هزب خود میکند که طبقه ای ای که
حزب کونیست -

۲- تعریف هزب، مجموعه هزب
دیدانحرافی سینه ای ای طبقه ای ای
کونیست و طبقه کارگری او ای ای میباشد در

بک کا رکوہ لہ ۰۰۰ (۲)

بندستان عزیز، انتخابی سیونال اینیست
حصل مبارزات مطیع سالهای طولانی
و لشکر بوجنیش طبقه کارگر و میطیب
ایراشا تفریمیست و آثارشیتی ویا زتاب
ن در سطوح جهانی بود «اکنونیم
فرمیم «آنارشیم را رو سیوسیا ل
مکاوس ارها بشویم و پسر اصلی -
نهن ضری کرد، نه تحوالا ت خود بخودی
جنپش سیوال د کراچی، بین ای ای کو
یست بیشتر بیانی ۱۵ میان مبارز طولانی
بیان حزب بلشویک ساختنی بقول
بیان تجربه میباشد چهار میلیون دریک جنبش
د هنگامی -

خلاصه کنم:
هنا نظر بک گفت انتخابی سیونال اول،
کون پارس، «انقلاب اکبری، انتخابی
نال سیم، مبارزات طباطب ای خلق
ویتمام و نتایج صلحه تاریخی هست
کا استرازو تکمال بیوزنند کونیم را -
متلبی میانند - جنبشی های طوفند -
رهائی پخش ای، مبارزات بی امان -
طبقه ای ای کونیستی هزب هزب
هونیم کشی های سویلیستی طیبی
امریکیم، طصر را بیداری جهانی
ادامیخواسترا در هندا بن تحوالات
تاریخی هست «اید معنای سویلیستی
د راند پیغامزندگی علی خلقی های پیغامزد -
نه جهان و مبارزات مدارا و بولتاریای در
بند نمود کر، د میست «بیوند کونیم
با جنپس، کارکری جهانی و تکامل
بیونستان، هیچ کامد رهیچ زمانی هم
روند ساده، سرایت، بیرونی و منفک
از تقادهای اساسی جهان سرمایه
داری نبود طاقت، کونیم هماره -
رشد و تکامل بیدار کرد، هم ای ای



میگرد ، آنرا از این خود بود اند ، درادهای
ذلیل و خاکستری خواهند بودند ، خیجان سخنی
زبان نی از خود نداشتند ، خدیده ، و امروز خود
شعلهای خود را خواهند آوردند .

همه دهان های کوچک ، لذتیست ظاهرها
برخواهی طامجهان شعل کوئی نیست
متفق القولند ، و در حرف خود را بدان
با یونه میانند (خشن کوئیستهای ارها
کی کلارک ادکله خود را کسیم را
اطلام کردند ، ملک انتظامیان اول و
انقلاب اکبر را خود داشتند ، اینی تو
شکی تکمیل دارند انتظامیان سیوال سهم
از پیوست بیشتر بودند ، مطابق کوئیستهای
کوئی ، نارنگی داشتند ، نشسته نشنا به
اهداف ایشان را داشتند ، کوئیش متعددی
پا شدند که لذتیست خود را داشتند ، های امریز جهان
نمایند ، دادند همچنان که اینها معتقدند
که خود خود را که خود را که خود را بسط میطبیقند
کارخواهی ایشان را داشتند ، پیش از این راست -

شکل خوب سازیان بودند ،
بنابراین بدهی بگیرند ، بجهود انتصاف هرگز
نهیغند ، ای ایارن بودند ، کوئیست بودند ،
نیز بودند ، ای ایارن بودند ، ای ایارن ، ای ایارن
دانشی ، ای ایارن ، ای ایارن ، قوارگرد ، کلیات
شمیرخان ، خلط و نیز شخصی میتوشند بین
کوئی شاهزادگان ای ایارن ، ای ایارن ، ای ایارن -
و ایشان نیزیم کی عیسیم نباد ، میانشیل
طامجهان کی ملک ، بخواهد بود و بختی ایز
بهر تیپس ایزیم و ها و اهداف واقعی
کوئیشند .

شناخت ، گفت ، "ای ایارن ، ای ایارن ، ای ایارن لازم"
توان کافی "ملا کوچک" و گامی هستند
که سیستان بکوچک خواهند بودند ، بخشت را نیزهای
کوئیشون تسبیه و شهوشون . شوری -
بر ایان سهند با این کلی کوشی ها حقی
بختیاری برآمد و ظل خود نمان راهنم
فراموش خود خواهد آنها با خاطر ندارند
که خود با همچنانه بودند ، طبیظاهم
نیزیم بخشد این آمد بخود ند ، و چه مغلات

(شیس دیجه انقلاب در انقلاب مفهوم
(۱۱ و ۱۲))

حال بیهدهم بند پیغمبر کیود و پوکلی با فر
لماشی سرمه کردند ، ملک ای ایارن را تسبیه کردند ، همچو
که عزب کوئیست ، خوب تقویت شهای
پل ده روحش خشوندر را که جامعه خشون
است پیش بینی ، که این کوئیستها در فقری
و عمل نهونیستهاشد ، ای ایارن نیز بخط
ماخیزم . کلی متشکل خونی است .

(رسی سوسیالیستی خطره همراه است)
برهمچنین در مورد موقعيت ملکه کارگر
و خانواده دهستان را بخیابان خود نمودند
اینکه زیارتگرای سهند دارد .

انقلابی صافی ، است با جویی کند و کوچک
میارزیم که ، صافی ، است با پیش از این .
از پیش شکل ، کافی اهداف را شناسد ،
پا شد بود مهاده شد پیش طبقه ایون مالکیت
خواهید .

(برهمچنین با مفهوم (۱۱ و ۱۲))
مالکیت شکل ، کافی اهداف را شناسد ،
از این خود بداد ایان متصدی باشد ،
پا زیارتگرای بین ایان سازیان دهد ایان
تیون کلیه ایستاده ایون و قیامت قدم دهد ایان
این ای ایارن خود را بخیابان خود نمودند .

کوئیست نخواهد بود ای ایارن شه . ای ایارن
تقویت شهای بین ای ایارن نایخواهی ای ایارن
که خود را کوئیستهای دوآتش نهادند
دو آتش نهادند که اهداف و شیوه های کوشید
نهشتر را شناختند ، خود را به ایان متصدی
میانند بیارن میهند باز توان کافی با میانند
عمل کوئیشی ، (ا) همچو خود او بند .

کلشیکی ویرنشتن با همین ای ایارن
سویاله مکاری ایان را بخیابان کشیدند
پا خانف ای عمن اهداف و همین شیوه
هاد غاف میکرد . خوب تود نیزه خشون
از ، کمال است که بخشش خشونی ای ایارن
اهداف و شیوه های کوئیست ، ای ایارن

سکه کارکوئمه له (۳۰۰۰۰)

، مفهومی بود . از نظریه چریک همان خوب بود ، منتها
محنی لذتی ، حزنی با تعبیره ، و سبک
هزه سهند . چنین خونی مهتوانند
یک فرد ، یک گریه ، یک یا چند طبقه
یک خلق را فرامیگیرد . چنین خونی
حزب طبقاتی نیست . خونی است فرا
طبقاتی که شخص نیست بدند ام طبقه
و چنینی اجسام علق دارد .

خونی کوئی سهند ، تکوار شرگهانه -
همان خونی بخواهیست است . شیس
دیجه نهادند سهند ای ایارن میخواهند
یونانی خونی را با یکین سهند

لکی که شکل کوئیست نمود ناست .
مشخصه هم خلاصه شده باشد ای ایارن اجتماعی
، سهندها خراب نمیگردند ای ایارن خود زند بود
خوب نمیگردند ، برخیزهایند خوب نمیگردند خوب نمیگردند
سهند ای ایارن درگاری نداشتند

بهوند خوب ، برهمچنی خود بخود پنهان
برقرار شد بود . خونی بود که در اصل از
بند خشونه ده و روشنگری و تعدادی
خونی میگردند . جوانی شکل میشند ولی
میزهایان تیزهایان ، بخانه که با طبقه
کارگرین شده است که میشند ای ایارن
بن زمینه جلاسته ای ایارن جالیی دارد که
می از نظر میگردند هم از نظر شکل .

قاوت چندانی با نظر ای ایارن نهادند
ای ایارن میزهایان شکل میگردند .
برخیزهای کوئیست شکل بود . ای ایارن
میگردند .

نیزهای تکست ناید همی که شغل
دست د رکوره را همای کل آسود که میبا
اکمله کردم بارند نشش . ۱۰۰۰ میان
ریشه میانی های مدندرس . ۱۰۰۰ میان
، پشاوهات زمان ماهستند ، میانان
میوده این درجه که "دستگاه" میباشد
کانون جویی . خوب در مرحله -
ای ایارن ایشان میباشد .

مطلق پیوند حزب با طبقه‌جاذب —
سازمان خود بجای "سازمان
برولتاریا" ۰۰۰۰ شروع برای این
همجتی‌های برآمد. وجود نداشت
دیگر همه کم روش این تک‌شوال حزب
با "پیوند" یا حزب "پیوند" با
شوال تقدم‌ها حزب یا با پیوند، همان‌قدر
ابلیان است که شوال، تقدم "سرخ"
با "نرم" ایجاد حزب برای پیوند
هناقد را حقان است و نمی‌تواند
ای ایجاد حزب.
اید های که حزب کمیت را از طبقه
کارکنان این اندازه‌جد افرض می‌کند که
ای ای تشكیل حزب منطقی پیوند می‌داند،
کوچمیم خام‌های راست اما اهدافی که
ضرورت هر کوتاه‌پیوندی را نمی‌میکند، ولو
نثار سه‌ناب می‌شد.
پیوند و نوش پیوند "بالا خراطوف حزب
بالا خراطوف؟" دقت‌داریک متافیزیکی
و در رابطه‌ای پیش‌نیک آرد.
سازماندهی خود یا سازمانه‌ی
برولتاریا

آن‌هزار جمیع پیش‌ها، و حاجیه پردادز
پیش‌ها که پیوند دستگیر خواستند و
می‌شد اینست که هر تشكیل که طاره
خود را بر مبنای "اهداف و شیوه‌ها"
که کمیتی سازمان دهد حزب
کمیت است.
ابقول مارکس اگر تاکنون فلا سفه جهان
را تفسیر کرد ماند، «تاکنون مسئله بر سر
تشریف آشناست»
برولتاریا باید تدریت سیاسی را بدست
کمیت، طبقه کارگر باید استطری سرمه به
داری را بر انداز و همه طبقات را
محو کند. همان اساسی اسلوب روش

چنین و چنان است احوال دید، اما ما
برای شدایها یا که طلب داریم کمک‌کوشیم
دانستند این پیش‌واشی، شهادت‌پیش
بجای لوث کردن مسائل شخصی به
هزاران بند چنک میاند ازند، بالا می‌باشند
پیوند، صفت‌پیشند، "یکدیگر" —
توضیح میدهند، آسان برسیان می‌کنند
و خلاصه‌گزار، پیش‌شنه و پیش‌نیزند، طایلا
خره‌موعده اصلی و مشتمل‌بندی را البلای
فرعیات و مسائل حاشیه‌ای تهیگیر کنند.
مارکس در تهاوش "تحویل‌هواں چیزیان
را فشارکرد، این حریص‌را زچنکه اینه تو
نیست‌ها بجهون کشید و سرویش برای اداء
این بحث باقی نکذاشت، هم‌بیهان
مسئل‌هایی و اساسی اشاره‌کنند.
کمیت‌ها هیچ‌گام مسائل اصلی را نداشند
توضیحات مکروه نمایانند یهی نمی‌کنند.
نمی‌ست‌ها هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنند که
مسئل‌هایی و کلیدی در تشكیل حزب
کمیت‌ها و پیاده‌گردانی را داشتند.
"خود طبقه‌جنبش طبقه‌دارکارکداست".
سوسیالیسم طبع ارتقا برولتاریا از
طبقه‌القوط‌غلایی به طبقه‌ای بالغ‌علی
انقلابی تهازنگانی می‌سروید اند، که کارکران
بحورت متسلک پیده‌گذاع از واش خود و قاع
جامعه‌برخیزد و این تهازنگانی مکان
است که آنان در غالیترین کنیت سازمان
خود مشکل شوند، یعنی در حزب طبقه
کارک، آنکه می‌توانی بالا زطبقه‌های "خود"
به طبقه‌ای برای "خود" بند آن شهادت
مارکس و انگلیس طایفه‌کمیت‌تاروند
برنامه‌کوتا، تاکید‌های از ماضی

کمیت‌ها بعکس سهند از این مسئله
شخص و کلیدی آغاز می‌کنند تا بعکس دنیا
مطلوب برند، تاکید دنیا بعکس می‌گذرند،
"سهند" از ایک دنیا حرف شروع کرد ایک
کمیت موضع برند؛ ؟ تشكیل حزب
لهمیست‌بدون حضور طبقه‌دارکارک، نشیر

ست کارکوشه له (۲۰۰۰)

دلجهزی طبیعت ید کامن‌فریبانی فداشیان
د مردم، "پیوند" حزب و طبقه‌دارکارک دارم
انداخته بودند! جرای این‌می‌سخند همارت سفیط‌آمیز خود
را بخاطر سیاره باره باره بگرد را نینجا آنرا اتخار
می‌کنیم؛ بسند می‌کوید جطم‌مور د علاقه —
فداشیان اینست:

"حزب حاصل تلقیت و پیوند سوسیالیسم
طلس با جنبش طبقه‌دارکارک است، بسیار خوب
ای ای اینکه لا خمر در که کمیت‌های چوخت
می‌توان حزب را تشکیل داد . . . با این
پیکاره ریاره‌غوله "حاصل بحث کمیت . . .
بند با پدر وی "تفیق پیوند" خود
نمی‌نمایم، آنکه ایا بدریاره‌صفولا ت طبقه
کارگر و جنبش طبقه‌دارکارک" وارد کش و
مشهور شد . . ."

بسیوی سوسیالیسم شماره هفدهم بیو
در نینجا زان آفایان دانستند با این
پرسید، بسیار خوب که شتماره‌ها یعنی
تحریفات، لطفاً باید بنویسید بی‌نیم، با این
انشانگاریهای فاحلانه‌کشخون از
مخلوات می‌جور، نسی و نکی کوش‌های بی
حتمواسته، هایا بید تاکی بر سر شناخت
اهدای و توجه‌های کمیت باشند
بحث کمیت هم چیزی برای "تمه"
شتابعاً عن اهداف در اختیار دارم؟
چکونه باید دریاره‌این "شیوه‌ها و اهداف
وارد، کشف و مشهود شویم؟ چطور باید
کاغز بودن "توان" و "نمایست‌قدم‌لام" را
از ازیت‌بیزیم؟ تاکی باید بشرط بکوشیم
سازماند هر شطا برای "خود" سارند
برولتاریا برای انقلاب نیست؟
اگر شتابجاًی های سخن مشخص "یک دنیا"
حروف برایها "دارید و میخواهید دیواره
را ببیان کایت بدهی که "کمیت"

سک گار کوچه له (۰۰۰:۲)

این تخفیر و آن خود، مادی و اینم است
... سی و پنجمین است که من باشد و
له تواند این تخفیر است را با نجام برساند
ن نیو همان پرلیٹها و همان طبقه -
رگر است. تاریخ تکامل جهان نواین
رسالت را بد طبقه کارگر سپرد، ام است
در زمانی که مارکسیسم بیک آند یشمیر
در حیثیت فکری جهان تبدیل شد،
د بقہ کارگر بعنوان نمادی محرکه تاریخ
بعلمای اسلامی و شادین این تخفیر
تحولات دنیا خوردید. طبقه کارگر
کشیده شد و طبقه این خود را طبع میکند،
مشخصاً میتوارد تغییر در این
اویت تخفیر نماید. میتواند جهان
امتلایی به لطف ربارا طبقه علی از آنهاش
دهد، صندوقها غایبان صور میگشند
سازماندهی خود را تقدیر خود میگشانند
را جایگزین سازماندهی تغییر کرده باشند
این همان حلقة مفقود شده ایست
آنکه اینها را در تعاریف تحریر نهایت
سند خود شدمایست. همچنان
در اصول سازماندهی خود از همه چیزهای
همه یادهایشکن، همه یادهایشکن، جواز
بر لشکریا وضعیت شدن طبقه کارگر.
سند در تعریف حزب کوچه له از تخفیر
هر قشر و گروهی میخن میگردند جواز
نشر و مقصیت شخص طبقه کارگر، یعنی
از طبقه ای که باید بآن خود داشته باشد ای
حزب کوچه له که باید بآن خود داشته باشد ای
و شیوهای کوچه له تخفیر میگردند باید
بارز خود را باید ای آن سازماندهی
بهیش برد که از آن خود داشته باشد ای
تعان کافی و انتشاری میخن داشته باشد ای
لازم بر خود داشته باشد.

وئی صحبت از نقص تاریخ ساز طبقه
کارگر بیان میگردند باشد باید مثله
هز اشاره کنیم که این پژوهیه تاریخ از
در همین کلیت خلاصه نمیشود.

طبقه کارگر یا بد برای انجام ای رسالت
ای سازماندهی وظیق خود کارگر
ایتدایا یا بجهاتی کسر خود یکسره
نماید. وقتی سهند در تجربه، "کم
- نیهم" بیک پد بد، زند و جهان
شعل است که بد تراها باطلاقه کارگر جهان
- نم پیوند. آنچه بیک برقرار نموده و
دیگر نمایی به پیوند حزب کوچه له از تخفیر
و طبقه کارگر نیست و سی و پنجمین
سازماندهی خود را طبع میکند،
دقیقاً وطیه این خود را طبع میکند،
آنچه مطلع شده تهیه میگشند طبقه کارگر
مشخصاً میتوارد تغییر در این
اویت تخفیر نماید. میتواند جهان
امتلایی به لطف ربارا طبقه علی از آنهاش
دهد، صندوقها غایبان صور میگشند
سازماندهی خود را تقدیر خود میگشانند
را جایگزین سازماندهی تغییر کرده باشند
این همان حلقة مفقود شده ایست
آنکه اینها را در تعاریف تحریر نهایت
سند خود شدمایست. همچنان
در اصول سازماندهی خود از همه چیزهای
همه یادهایشکن، همه یادهایشکن، جواز
بر لشکریا وضعیت شدن طبقه کارگر.
سند در تعریف حزب کوچه له از تخفیر
هر قشر و گروهی میخن میگردند جواز
نشر و مقصیت شخص طبقه کارگر، یعنی
از طبقه ای که باید بآن خود داشته باشد ای
حزب کوچه له که باید بآن خود داشته باشد ای
و شیوهای کوچه له تخفیر میگردند باید
بارز خود را باید ای آن سازماندهی
بهیش برد که از آن خود داشته باشد ای
تعان کافی و انتشاری میخن داشته باشد ای
لازم بر خود داشته باشد.

بر حزب ایده‌آل و خرايطا بد

بند میگویند
نکلمیز است و معمای جاید و مافیز کسر
من نم بد کارگر را پیش که ۰۰۰ تصویری
ایک حزب ایده‌آل در زیرها بطور مثال -
شیوه کنیم ۰۰۰ تصویری کابد اجیان
شعل پیوند همکاریا را شید مشراط

پیشنهاد ملکه امیری کنایه - مملکت سالهای
۱۳۵۷-۱۳۵۸ - شناخته شد - همچنان
و ملکه امیری پس از این مدت - ملکه امیری
و ملکه امیری کارگری زمزمه شد - همچنان تشكیل
حزب کمونیست فراهم شد - همچنان ظلم و بیضای
نیزیم - خلیل است - حزب توده مونیکت کشانید
از چنین چنین کارگری در کرد و خود سالهای
ملکه امیری نیزیم آغاز مجدد چنین چنین و مصیح
کارگری در سال ۱۳۵۶ به بعد شرایط
آن روزگاری شکراند - خلیل دینیست از معلم
و روحانیت - بین همین چنین چنین سالهای سالهای
شکراند - همان چنین چنین چنین کونیستی
آن روزگاری بود که بیرون شد طلاق روش نکری
و شکراند کارگری کارگری کارگری کارگری بود.
اما این روزگاری همان چنین چنین چنین غدایی
خیلی از این شکراند - شکراند - کارگری و همها و
خیلی از این روزگاری همان چنین چنین چنین چنین چنین
کونیستی از این روزگاری همان چنین چنین چنین
عده ای از این چنین چنین چنین چنین چنین چنین چنین
همان روزگاری چنین چنین چنین چنین چنین چنین
کارگری - آغاز شد که ملکه امیری طبقه
کارگری - آغاز شد که ملکه امیری بیوه - داده اند
که از این شکراند زندگی طائفی خوبی بشه
شکراند زندگی خوبی - و شکراند خوبی
کونیستیت چنین چنین چنین چنین چنین چنین
آن روزگاری که ملکه امیری و ملکه امیری
سازمان غدایی از نظر دینیست خدمت و قدرت
آن روزگاری که ملکه امیری از نظر دینیست خدمت و قدرت
آن روزگاری که ملکه امیری از نظر دینیست خدمت و قدرت
آن روزگاری که ملکه امیری از نظر دینیست خدمت و قدرت
آن روزگاری که ملکه امیری از نظر دینیست خدمت و قدرت
آن روزگاری که ملکه امیری از نظر دینیست خدمت و قدرت

در مالیاتی آنها نیز همین که برآورد شده است
برای این سه میلیون نفر که در کشور کار کرده اند و بین آنها
که در این سه میلیون نفر کار کرده اند و بین آنها
که در این سه میلیون نفر کار کرده اند و بین آنها

د چونهایی که بگشته کنند اینها را بخواهند
بلطفه کنند که از دستوراتی مطلع نباشند - اما
آنچه در خود همانگونه باشد و آنچه در آنها خواهد
بیرون آمد یا آنچه که در آنها مذکور شود، اینها را بخواهند
جیزهایی بخواهند که از آنها پنهان نمایند
کوشاگران گسترش آنها را بستکاران آرمان د
اهداف سیاست را برای خود بخواهند و سیاست را برای خود بخواهند
آنها میتوانند اینها را بخواهند و آنها بخواهند
کارکردی خوبی را در خود داشته باشند - توشیخ را بخواهند
که بخواهند آنها خوبی کارکرده - سیاست را
در مکان خود را بخواهند طبقایی و همچوی آنها را داشته
باشند - و بخواهند مکان خود را بخواهند خوبی و
خوبی را در مکان خود را بخواهند که باشند اینها را بخواهند
که بخواهند مکان خود را بخواهند خوبی داشته باشند و در
هم مصطفای شفیعیک بخواهند که از آنها
خوبی کارکرده بخواهند و مکان خود را بخواهند
برای آنها خوبی داشته باشند و خوبی داشته باشند
خوبی که میتواند در مکان خود را بخواهند
بعد از مکان خود را بخواهند خوبی داشته باشند
و آنها مکان خود را بخواهند خوبی داشته باشند
آنها مکان خود را بخواهند خوبی داشته باشند

د روی عکس های خود را می بینیم که این چیز ممکن نیست
د رسالت های . ۱۲۷ شوک پولی در این مکانی
بینهای . پسندیده باشد که کمترین شرایط داشت
سازمانهای انتداب و سلطنتی رسالت های .
۱۲۸ پیشنهاد میرا به این کمیته بارها
به این پیشنهاد میرا اشاره نهایی داشت
کارگری در رسالت های . ۱۲۹ و ۱۳۰
رسالت های از این پیشنهاد ممکن نیست که در این
کارگردان . نه برای این نیزهای از این مکانی
آنچه ای از این پیشنهاد میرا این مکانی
مشغول نماید این پیشنهاد میرا در این پیشنهاد
مشغول نماید که نیزه های ای را که این پیشنهاد
ایران فرار کرده اند و دستورات را که می خواهند رسالت های
. ۱۳۱ و ۱۳۲ این اتفاق نمایند در این مکانی
نهاد ای این پیشنهاد های کارگری . و بعد از آن
برنامه خود خود و پیشنهاد می بینند این مکانی
رسالت های ای این مکانی

شخص نارویش و در این دیدگاه مجبوب
کهونیستهای اثراخور جوید پس کهستهایاره
پار و خوشبختی داشتند .

(ج) سوپرالیم شارع و تکیدارها

کهونیزد پلکانی رکسیماین امر را سازهای بیوت
و صانعهای تکه هر چند پنهان باجتنای غیرتابعی
شناخته باشند منحصر است که این آنچه وجود
نماید و فردی که دشمنی داشته باشد میتواند تسلیم و
آنچه میتواند حزب کهونیست نزد حمل شرایط
کهونی را درگذشت و میتواند این را است این شرایط
که ایطالیه مالی نمایند که این را بخطه نارویش
کهونیست که حمل و پسخواسته خود
میگذرد عبارت میگذارد در داخل
کهونیست خود کهونیست خود کهونیست خود کهونیست خود
است . هر آدم از این آنکه که
شروع احتجاب کهونیست جهان را مطالب
کویده باشد شکن برای شریعت نمی باشد
که خوبی بالشویله رویه همچنانه نمی
توانسته در دهه اول قسم پنهان لعن
پنهان سالیان ۱۸۸۶ - ۱۸۹۶ در
کهونیزد فدا کهونیزد شکن کارگردان
کهونیزد شکن کهونیزد مطالعه کوچک کوچک
کهونیزد شکن کهونیزد لعن تریه باشد
کهونیزد .

پلکانیست اعلام من کند که " سوسیال
دیکراسی پلکانیز این دویه پنهانیه به
چشمکش اجتماعی دغدغه ای خوده های مرد
کهونیزد شکنیه بکهونیزد سوسیال با پهله همه
وجود میگذارد . " حزب نارکوی سوسیال
پنهان دیکراسی است و سیمه محظوظ شفقت و
سیمه کرو دهای طاریسته با جنبش
نارکوی رویه است . لعن همانجا تکید
میگذارد . " شکنیه حزب در پنهان سال
۱۸۹۸ بر جمیعته شرکت و درین حال آخرین
کار سوسیال دیکراسی ایجاد ویرسد و میود . "

له "کونیسم" پا چنپش طبقه کارگر جهان پیروز خود می‌داند، ستوال العمل سهند حزب شورای اسلام را تأسیس کرد، پیاپی دیگر را که مورد نظر او باشد حزب کونیست تلقی کردیم.

پیراست که هیچ‌چیزی نمی‌تواند مانند سهند از ناهم‌ظام چیزی‌تری همچویی شخص و از پیش ساخته باشد از همان گونه که هیچ‌آدمی غلط نمی‌تواند مانند این شورایی‌های که برای این و تواند را زیر پایگذارد و از آنکه گوشواری بی محتوا — مصلی‌های شخص و خود و پیش‌مارش دارد این را که داده که سهند پس از این طبقه پیش از شورای شکل حزب اصولاً همچویی ندارد، پیراست که همین دیدگاه مونتیجیه منطقی همین تقدیم است که "سهند" مجبو می‌شود بگوید:

"قبل از هر چیزیا پیدا نمایم دیگر را پسند کنیم که حزب کونیست یک چیز نمی‌نماید و نمی‌تواند... کونیم خود یک کیا پشت شخص... در صورت شرکت حزب کونیست بدفهم شخص پیش پردازد و این تقدیم است که همان گونه که حزب بلشویک در تاریخ جنبش کارگر روی پیش بود و منظمه بود حزب کونیست بیوتام، چین، کویا و تمام احزاب کونیست جهان یک پدیده منظمه بود که همین خود بودند و قطعاً حزب کوییتی است ایران نیز در تاریخ مبارزه کارگر ایران یک پدیده منظمه بود خواهد بود، همچنانکه بود پدیده شخص در شرایط ظهور خود با امنیت پیش براست، اما حزب کونیست سهند نشریه دارد و نهاده بود شخص.

همانگونه که لایحه تمدیر این مورد هم همان اصل قابل صادق است، چیزی مخصوصیت کل را کسب کرد و چون کل یعنی کونیست دیگر پدیده منظمه بود نیست پس حزب

بریش فکر خود، همینی تعداد رهایی همان سهند شرایعی داشته بود تواند می‌شد — هند ای و میان نود که وفهی را برای

چنپش طبقه کارگر جهان آرزوی می‌شود همچویی می‌شود — هنوزم حافظی که تین دن و پهله علایی را کسب و کار اموز خود ماخته است با هسته ریشه ذکر — این نکبا امید شکست دویای چنپش وین بست کونیمیه محل خود را گیم نکته میدارند، اینها برای آنکه اینیم و انسحال عمل خود را توجه کرد، می‌اشنند — نه تنها ضرورتی های تشکیل حزب — سهند شورای ایران را نیز می‌کند، بلکه سریعیت تونیه در وقت بارگوش را همیشه حساب چنپش کونیست ایران می‌کند از این امراض دیگر همچویی فکار دروار تقابلی شناسی آذهای پیروی شار را خود بهترین می‌سازد پیویستگی اند یک شخصی که نهاده شده است، آنهاست.

نه تنها سهند هر چند در عمل همچویی کراپش را دامن زده است اما همانند نکنفیتمد و حرف بالین قسمت از بحث ما موافق است و بطور معمول پر فضای تشکیل حزب کونیستیا، می‌شارد

اما وقتی سهند این شرایط شخص را بین شرایط کلی ادایی وابدی تحریم میدهد که مطابق با تعاریف او و همینه و همچنان شرایط برای تشکیل حزب کونیست مهیا بود ما است، و چنط پسر

و تقاضا دید کاهی‌ای مایه شریعتی داشت و شرکت کونیستیشود، حزب کونیستیکه ای از آن سخن می‌کوشیم و مخصوص این من شرایط شخص پیشوند کامل با اطمینان کاربرد امده هند پیرنا منزه شی استی از اساس پایه زانه و شرکت سهند متفاوت

است، سهند هیچ‌کجا این شرایط خود ویژگی اعتمادی نداشته کونیست و اعتماد داشته باشد، پیراست نظر شمری پیری از همای ایند طبقه کارگر، پیش از این هنگام

سک کارگری سهند (۴۰)

د و انقطاع طولانی مد ت وکیل تا مل ریشریا سالهای تاریخی داشته بودند هسته تشکیل حزب و دست یافی بیک برنا مصالی و خط و مشی صحیح را بسی تعریف می‌انداخت امروزی سیان نیز سال تجربیات انتقالی بمنزه اوجگیری چنپش طبقه کارگر و فناوری پیش از ییش این تجربیات علی، شرایط همه جانبه بای را برای تشکیل حزب کونیست ایران فراهم ساخته است، وظیفه همه سازط نهاده و شیوه های انتقالی است که — حول برآمده و مولی و می‌شی بر واقعیت جامعه کرد آمد بای خود را در تاریخی های سخن گویند، و مثلاً امروزه مادر جنگ است تهیه و توزیع وین چنین پر ناطقی، حرکتی است در این راسته ای مسخ یافتن نیاز قطعی چنپش طبقه کارگر ایران، اما سهند، که نشان داده است تا شناخت برنا مصالی و ملی و ملی و ملی و ملی ایستادی — حزب کونیست فاصله زیادی دارد، همچنکی این خود را جزد رشکن صورت آن درک نکرد و در شرایط که شریعت — شریعی شده های محظی هملا برآمده بود، تاریخی پایی را آغاز نهاد و می‌بینیم ریشه ای این یا آن محل نظر خود سرگرم شد.

هسته امروزه هنوز کروهها و محافل کوچک دیگر که جمیلی خستگی هفتاد از هزاره همین وند اشتن پایه ای بود این دشرا پر خود سخت مبارزه موجبد لطف هراس از ندرت طبقه کارگر، پیش از خود را در — مقابله این حقیقت بسته شد، و قدر چنپش طبقه کارگر و خود ریشه تشكیل سیاسی پیروی شاری را از این ریشه داشت، هسته هنوز محافل و عناصری که بخواهند جنبش کونیستی — عدا این را به تدبیر می‌کشند و دیگر مکاری شان را بر جنبش کونیستی ایران را بجهش را دارند، و مخصوصیت را در جنبش کونیستی ایران دارند — پیزند، هسته کروهها و دسته های



غیبت قدری با مطلق و ملیستها (نویسنده پژوهیستهای اراده‌من، پخش یافد ائم) این کار مشخص نگذاست) درین تشدیلات (بسوی سوسیالیسم شاره «نکدازها») چمبلات زیانی ایجاد نموده است درخشنده دستور روزنامه چه کنیم و عذر عیقیس! الحق دعت سخن‌خوانان بی نظابه و نافرمان هم جراحت شنیدند با این همه راه و نهادن اند از خصانه از غیبت قدری با مطلق سازمانهای انقلابی سخن بگویید. حق صنایل پوشیده باش این نهادند با این صورت شادی خود را در ازف رفتگی «پرا تین و تشدیلات فدائی» و پیکار «جسم حازند» را هر چیزترداین خطاب پیشانی - دست کنم، پیشتوی میرم کهد شنیدن سهند با آنرا پیشان اند ازحرافی درون بنبش تا کری نیست، دنیا آنکار اشید تشدیلات و نیروهای انقلابی د پراسته ایم تو پیش بانم این وظی رله همچه مهاری شد و پیشید منکرد اشتون چهره واقع خود بکار میرد، اما زیر فشار مبارزه طبقاً ش و جبر منافع نیتواند گرا پیشان نهان ش و درون خش خود را پیشوند و شدند نگامدارد. همچنانکنیستند با این جلا تهرآب و تاب طیگرا پیشانی - پژوهیست، دشمن واقعی خوش بر اطیبه نویسیم، سوسیالیسم و شکلات انقلابی پیشانش میگذارد. پس پیشود منیست که سازمانهای این اتفاق بگیری گذاشته از ادعاهای انقلابیگری گذاشته از دستگیری، شکجواود امنیووهای انقلابی خشند میشوند و در تهازمینهای عیسی کرد و قلع و قلع انقلابیون دست اتحاد و همکاری پاسخانه ترین رژیمها را بیدند. هرچه پیشترد راهیں جملات حق میشم، - پیشترد شمش سهند اشکلات فدائی و سیم، هر پیشترم و میرم میکنم، پیشتر پاین نتیجه میشم کهد ت سهند ملقا!

خونیست همه بتعیت از کل بد ید فتوخه نقطع عطف در حیات جنبش کمونیستی - یک نهادت در غیر این صورت صنداید با این تعبیره در پیشگرد د و میشکنناشی خلیل کودن باشد که حقیقت با این واضحی پعن متولد شدن و مطری شدن بمعنای بانگاری (حتی خود کمونیسم نیزکه علم تلمیوزوال سوسیالیسم خرد میروند) مروی نیزک پد پد موافق تاریخی تبدیل شد یعنی بسیار خوب ما همچه مطرح شدن ده ماست درد پیدا نیز خود به امر نو و متولد شدن و آنهم یعنی علیله، که چنین ویژه و چشمگشی و چلوه مطرح و پیش از مطلع شدن میشود. طبقه فارگرده طعموشی پرولتاریائی لبکان چنگشیدهای مفهوم نیست که میشود، طبقه فارگرده طعموشی پرولتاریائی نتوانیم حزب کمونیست را بخطابه کل میخی پا سهند و پر نا سخی آن فعلا لاری تدارم و میتوان یک امر تاریخی مورد ارزیابی قرار دهنم. از قضایا پیش از خود شرایط حزب کمونیست در جویش خود سهند را از شناخت اصل لی حزب معرفی کرد طاست. چون اگر «سهند» به اصل ظاهر حزب میتوانم گفتند که توطی خود لغتی تصحیح شد ماست. توجیه کردا ین بخواهند کان خود را بد ره سرنم اند اخوت. اشکار کردن شرایط شخص برای شکل حزبید رجای د پیشگرد مرابتاقض د یگری د چار میسازد (او همانند فلاسفه اند مالیست د رزگری و عمل ارقوانیستن د پالکتیک پیروی میکند. «هانطور» هنچچا طالب همچنان اصر اضیافت واژه نظر شوک، ناب نمیشید. در اینجا نیز تویسته مازیک طرف شرایط شخص را نظر میکند و از طرف د یگر شرایط برای تاسیس حزب تصور میکند که بزم همان شراید ا بد طال مورد نظر سهند نامد پر بران غیتان گشت حالا پیشتم او این شرایط ابد طال را چگونه توضیح میدهد. امروز در محل ثلاقو د و دره تعیین کند در حیات خود جنبش کمونیستی فراز داریم ۰۰۰ در مای که متأثری اراده استقلال ماست؟ «نهادن نقطع عطف درد و بقبل کنگرد و موطلط است». (بسیار سیم شاره ۵ صفحه ۱۸ کد ها از است) سهند نقطع عطف در حیات خود جنبش در میان انتشار برنا محزب کمونیست و انجام مارکسیسم انقلابی میشوند که این جنبش کمونیست را بیشتر توضیح میدهد:



سک کا رکوڈ ۰۰۰ (۲۷)

نیز حصول فعالیتهای علمی و تجربی این
در درجه تقدیر مالکین ارزشی است.
آری این در درجه افزاین از نظر توین در—
جنپیش کونیستیویان است. سرفصل
تحویل هژتم در بارزات طبقه کارگر است
در وظای کمشکلات طبقه کارگری است
آن بارونی خیم، پولیسیم، اکتوونیم
هرگونه کارگری شناختی دیگر قطع رابطه
کرد. ویا پوتا مخصوص خویش در انقلاب
شرکت کند و قهر خود را بر تارک آن بشاند
امروزه و لیسو همه دنیا های خلقی
و خود همینهاش که علی یک در بمعنوان بیت
النحوی است. نویزیک سازمان مارا از تحریر
اند اختبید و منصف کامل شهاد مودر
حال زوال قلعی خود فاراد اردیبو.
بولیسیم طبقه کارگری رجیسی طبقه
کارگری و در حالت اختفای کامل بصر
اما به
همان معان که هم طیم و منصف و نابو
دی، انتهاد داشت، "تشکلات" ندانی
کیفیت بعد ید و نویش پافت است. فداشی
نه توانست تازنگی جدیدی آغاز کرد هاست
این کیفیت قطعاً اجازه نخواهد داد.
محاذل و حریمان تروشنکری باری بیان
کار چشم بیطن رازند هستند و بان جان —
نه زمانی پیش خشند.
تشکلات تهدای همان گونه کیفت جان ترقی
بر عین پسر از سر اصل طبقه کارگران زد و د.
پذیر تاریخه با بیان خلل تا به عوغم
اقلاس هرگونه کارگری شناست بجز واشی و
حود همین واشی دیگری را بطبای سوزار است
بدان از سر اهل طبای خواهد روید.
سازمان ماتحاطی تجربه ارزند مای رائے
طریق این سالها طولانی و برقرار و نسب
امنیت است، برای وعیت همیشی همو
هر گونه کارگری شناخت اند.
گرفت. "جنپیش کارگری این دنیز هی د ر
شناختی را پشت سرمکه ارد

خینی همپانداز مسند از این شرایط
ا بد مآل مصروف شد هاست. چون خمینی
برخلاف این پیشگامان بحق برطلشارها

نمی خوب میداند که این رویاراد پرسی
نهاشد هاست. آری "ظلمت های هنر" ،

"غمزهای متکر" خوشید سالها و سالها
ستگه طبیعت آن را گرد هاست. کونیسم

سالهای حال است که باید همین طبقه کارگر
بیان چنین بیرون خود هاست تا میمیس

حرب کونیست ایوان در پیش از نجاه
سال پیش تعصیل و سراقا را ن تحمل

بود هاست. و امروز تا سیمین بعد د حزب
کونیست ایوان بصیر مطلع و واقعیت های ایوان

این در واقع است. جنپیش طبقه کارگر ایوان
از صدید طلاقه های خیری نیست.

سند همان نظر نعمکورد طلاقه از دنی
کیم در رشوی و شف نیست، از نابودی

کیم سهند میشوند گرایش و بیان
نشد هاست. "ستول شدن و بسط حشدن"

بارزهای پولیسیم خواسته بودیست
نهست، هدف او همیشه سخن او با تشکلات

نکلاسین است. مسند "استقلال خود"
رامد هیں. "از تقریب نهاده شکلات

نگران میداند. شروی و شف بر انتهای
مسند ناشی از "فیض شریا مطلق" (۱)

شناختیان همکار است، نه زوال و نابودی
و خود میمیزی شدن این فریاد رین

جنپیش طبقه کارگر ایوان (حال بگذر) هم
از این مسلمان خود مسند دیواره
شناختیان در حراس را ایوان یکه از میدانند

با زیست طلاقه های خیری نیست.
سند همان نظر نعمکورد طلاقه از دنی

کیم در رشوی و شف نیست، از نابودی

کیم سهند میشوند گرایش و بیان
نشد هاست. "ستول شدن و بسط حشدن"

برای او شکلات بودی شکلات تفسیر
از خود و فعل خود است. اینست آن

موقعیت طلاقه و شرایط ا بد مآل کیم
هدایه آن د مسند، توجه کنید: "ما چه خد
نویمند؟"

و افعیت اینست که این موقعیت بسیار
ساده قرار داریم، های بترین فعالیت ای
در را ختیر داریم، "باید از این موقعیت
استفاده کنیم" ، "امروز نهاده" حزب —

کونیست سندی کثیر . سال خلا آن
در جنپیش طبقاتی ما محسوس بود ما سزا

در ستداریم

(بسیاری میمیزی شماره ۵)

و افعیا که چه موقعیت مطلوبی، از این بهتر
نمیشود، "در فیض شریا مطلق" همچو

لیستها ا بد کاندار کوچک چوب حراجیه
کلاهای خود میزند. کرم شب ثاب، فروی

خوشید راجش گرفت اینست حقیقتیم

انحرافی راست و چپ بود. پلشونیم در

کوران بارز مطلع برطلشاریا بد ید مدد

بود. شکلات هرولتار یا شو از نزدیکی
جیون نمی آید، حزب کونیست روی هوا

ساختمیشود. شکلات انگلیج، محض ای
اراده این بیان د سکروش شکرکن شیر شما

نیست. همان چنانکه شکلات اند اشی

از این کهیو دسته هر دارد واقعاً حدود
هر چهار گانه همچنانکه اینجا را که خود را با
پنجه و شکم نمایند و گویند که ام از هنده دی
باید شنیده باشند و بخواهند از سف
و همان روشی خود را باشند و بخواهند
نمایند آنکه همه همچنانکه اینجا را که خود
نمایند و باقی خود سف میانی -
نمایند آنکه همه همچنانکه اینجا را که خود
نمایند و باقی خود سف میانی -

۲- ملکا قائم اعلیٰ حیویت، پول کاربران افغانستان "مشی چریکی"
ڈھنڈنے، سنبھالنے، دین پڑھنے، رقابیل شروع کر
و پھر خود بیوی، آنہم بخاطرا یعنی "موضع
کیا ہے امیر تند امیرت" ؟

وَيُشْفَقُونَ لِيَقْرَأُنَّ مَا يَنْهَا
مَلَكٌ مَّا هُنَّ بِهِ مُمْكِنُونَ
كَلِيلٌ مَّا يَحْكُمُونَ

لار زمینه اندیخته که خود را در خانه نشاند و خود را
امسال لایه سلطنت پرور خواهد بودند .
همانگونه که مذکور است ۱۷۵۰ خوبی و خوبی
حرب و دشمنی خود مشخص نمایند . خوبی کار آن
حرب که رجعتاً نهایت عیالت از عیالت است .
جهیزی نات صعب است مشخص کردند . خوبی
کار روشها و شیوهها تقدیماً عامل خوبی
از این مشخصه هست که خطابی بخوبی است .
د بالکوئی بهم آن ناخواسته کارهای خوبی
حده و داشتن خوبی و شیوهها و شیوهها نیز می باشد .
مشهول پوششی آن بود که هر قسمی سمعه هست و در رو
اد اعتصبین بخدمت ای ای ۱۷۵۰ مطلعانه
میگردند و آن بود خوبی و بدی (بخوبی و بدی)
بندی و مسونه و مکوشه (مسونه و بدی) مسونه و بدی که نه
چند دو اقسام است (بخوبی و بدی) و دو اقسام

آنکلاب جلوهود بکری پخود گرفتار نمی شد
درینین حال مبارزه غذایی و قاتلها خطاپا
آنکلاب خدا نهاده اند و پیش خوبیه رئیسیه
آنکلاب شست و پنهان است همان دیر خلاصه کنونیها
آنکلابها و سازمانهای خود بجهود خانه اند
نیز آنکلابها نهاده خود بجهود خانه طبقه
دانکل جنپیش را بد نظریه آورند آنکلاب
نهاده خودها نهاده خود بجهود خانه همچو
آنکلابها نهاده خود بجهود خانه همچو
آنکلابها نهاده خود را با پیمانه اند و خانه
آنکلاب خود را با پیمانه اند و خانه تشكیلات
خود بجهود خانه اشتباخته بجهود خانه آنکلابها
آنکلاب خود را بجهود خود را با پیمانه اند و خانه
آنکلابها نهاده خود را با پیمانه اند و خانه
آنکلاب خود را با پیمانه اند و خانه تشكیلات
آنکلاب خود را با پیمانه اند و خانه تشكیلات
آنکلاب خود را با پیمانه اند و خانه تشكیلات
آنکلاب خود را با پیمانه اند و خانه تشكیلات

ماهیانقدر و متنوی تندن کرایشان استا بد غلوب
— زیک سیا سی پیکنون خرافات خایزم
خواه ساریان را احتمام نموده بگوشه
در جهان نزابد که خود عالم است — بنیام جنیش
بپنهان کارکرایان میدانم که پرسخوردن —
نمودهای خان و نادا کامبیز روبرو هست
تندکلاست سرمه چون زیان آنرا بهزبان چنین
اظلامی ای خان — طاهیان نقد و در رهیشکشتن
دانز که رفتن تندکلاست مجاہدین و نیروها
تندکلاست سچا هدرا بذات انتلاجهد انهم
که شنست کرایانها شیوه را — رفرمیشی حکام
بر آنرا پنهان اغلاص
ماهیانقدر از مشبک کرایشان استگری اعیان
دستگلهای خود سیکا ششماهی دستگیری — غیرهای



مراحل شکل گیری و تحریم از ناتوانی و شخص (لبنی بیماری نیوکی، "چپروی" در کوفیم
کند، دست یافتم")

های اینکه همکنید است تمام جملات شاعرگوی
سخن های خود را مطابق با شرایط اهل ود و شرط
دیگری های افراد میباشد واقعی را بدست

مهد هند، بدلیل نادیده فراموشی بسیار
این عجیب های از رهای سینه های مخصوصی
میازم طولانی تر راهی کلادرهای خود
با اینکه همکنید، مخصوص اراده منویسته

نمیکند، کار رهای کامل معلوم نیست
در چنانچه این بدلیل باعث نمیگشود
نمیگشود ترکیب، درختان دست یافته
کار آن بهمودت داشته باشد، ساخته ای است
که بگشیم حزب صندوق، ساخته ای است
که درینجا، ترکیب از کار رهای خود

ساخته، مطواز خصوصیات نوع آسا،

استوار و باستقدام، تنهید و بیانز، لبرغ
از افکار اندیشه ای و شیوه های کوئیستی.
چنین کارهای اگر در کوای بارز صبطه
کنند، بروند به بوند پایه و لثاری ای انقلابی سا

نمیگشود، همچنان، فقط زانید میگشت
نمیگشود و بطرای امام نیخورد!

لبنی عصیان همکنید تا کید کرد مایت، که
نمیگشود، اثنا یعنی عمل و در بارز مدرے
این راهی اندیشه ای و استحکام حزب
استوار سیاسی بالی بموکا مل طبقات،

نمیگشود، ارنز.

ما را کمترین در لاحظاتی بر اساس اساطی نجعن
بین المللی کارکران (انتربالیونال اول)
بعنده کید این اصل اساسی مانیست
میگردید و میگردید،
رهاشی کارکران باید افرخود کارکران باشد،
جه بگوییم نیتیاند فقط دسته

(بسیار سیاسی بالی بموکا، ظاہری ازها)

هزای شناخت جو شیوه هاییست افکاری که
روشنگر رهیانه های از جن کوئی تصری
وجود ندارد، شورینهای بنا بر میگشند
که بدلیل کوئی مادر است که، وان از تماری و بیش
مشخص و معمود های روشن و قابل استشیع
لبنی کلیا تهیه شرکی محتوا نیز میباشد،
که با محتوا و میزان مقطع انتظار تلفیق
فرستنها فاصله بید امیدند، آنها نهاد
حقیقت را نمیگویند، آنها برای تغییر
محتویات نظرات لبنی فقط بلک شرط از شرط
لبنی را بعثت میگیرند.

و میگشند اندیشه ای و شرط ای و شرط ای

او لا پرسیلماهای پیشا هاش بروند

و قواداری وی نسبت با اقبال های بیانی

وی، جانشانی وی، و قدرمانی وی، مشهدا

بد پرسیلماهکنی پیشا هاش تقدیما است

و سیاستن تولد مزحمتکشان و در پیش تالیل

با تولد، بروند و شیوه های از تاریخ فرار

نمیگشند، تولد بن کردد و تاریخ چشمیان حق

با آن در آمدید، غالبا پرسیلماهکنی در چیز

سیاسی که بسیلماهی پیشا هاش میگردند

نمیگشند، بوسیلماهکنی استراتی وی

نمیگشند، میاسونی بشرطی، که میگشند

تولد معا خود با تجریمه خود و شرط ای و شرط ای

یقین حاصل نمایند، از ای و شرط ای و شرط ای

این شرایط هم نمیگشند و فستیلندیدند

این شرایط فقط در نتیجه همچشم میگشند

و تجزیه ای تذرا فراهم نمایند، میگشند

انقلابی صحیح شریعت خود شریعت

جاده نمود مبالغه نمیگشند و نتیجه ای ای ای

بلک با هر ای شکنی جنبش و ای ای ای ای

انقلابی شکل نهائی بخود میگردند

ملزومات تشکیل حزب کمیتیست

دیدگاه های این راه فریدت بیس حزب

روشنگر رهیانه های از جن کوئی تصری

نمیگشند، در اینصورت تصور خواهد

گرد، در فریول منطقی حرکت، مت مطلع

لبا افتخار است که تبا همچیز اینو پیغام مید

با کشامل حزب چیزها نیزه میشود،

(نارکیش فرقه)

آنکه میگشند پهلو ملزومات حزب کمیتیست

میگرد، پهلو و لیسم سایه های تفکر میگرد به میگشند

یعنی خود را آشنا میگرد، نظام منطق

ای راضیه ای و میگشند میگشند هاش که قبله در مردم

میگرد نمیگشند با چنین طبقه کارگر جهانی

میگرد که فداست شهر خود را در صورت

میگشند، پهلا های مختلف پهلا میگرد، و چنین

تفکر میگشند در نتیجه که بیرون از هاد و حزب

میگشند نظر ای و ای و روش نمیگشند، طبقه

کارگر جا پا که میگشند در حزب از ز

مید هد و میگشند، راه پهلا و لین و میگشند

عامل پهلا تشكیل حزب تبدیل میگرد

در راه تسبیت و حفظ روش های علی کوئی

نمیگشند، تکمیل حزب کمیتیست

و بجهات بنا کنند، پهلا میگشند زندگی

کارهای نمیگشند مترکز شود، ۰۰۰ میگشند

بن حلقه ای و رست بگیرم، زیرا کارهای

تشبا همراهان ای و پهلا تسبیت و تحدیم

روش های نمیگشند در حزب کمیتیست

پهلا هستند، کارهای نمیگشند

که با بدستین فرات حزب را تشکیل دهند

و شامن اد اه کاری و با شامن، یا میتوانیم

علی بشویشی باشند، "یا میتوانیم

ردت دو ظهی بطن تعداد کارهای

البای بدستون فرات حزب را تشکیل دهند

یاد اه کاری یک شکل حزب در نخستین



اید شلوذیت خود را با صور الزامات مستند نویسند کان سهند اگر خود شان هب
ولو زیک خویش آسیب پذیر نباشد آنها اگر خود بازود داشتند «انطباق نمی‌نشستند»
ظاهر از اینجا این پیش‌زاد رفاقت خسرو بزم و چنین خجولا نم خود قوت قلب نیداد

کونیست بران در کروچیست؟ «بازمی‌دار آنها اگر خود پیش‌زاده هست این ایده
درست است، با همان طبق موجزش از طبقه
بائمه که با تام ام مشتمل ای حیاتی خود به
آن بستگی دارد».

سک کارگو مملکت ۰۰۰ (۱۲)

پیش‌اشک باشد او یا بد درین حال —
دسته پیش‌اشک طبق موجزش از طبقه
بائمه که با تام ام مشتمل ای حیاتی خود به
آن بستگی دارد».

(استالین در پارلمانیسم «ناکید از ماست»)
اما حزب کونیست سهند با جنیروشی بنا
می‌کرد، سقون فقرات آنرا کدام طبقه
اجتنام می‌سازد، و کدام ای ای ای ای ای ای
«شها اهریو اقی» تسبیت و تحکیم و شبا
کونیست را در حزب کونیست ایران
تشمیم خواهند کرد؟ «نادرهای مرکب
از روشنگران کونیست و کارکران پیشو
کمالهای حال بیارزات تولد های —
برولتر از هری کرد می‌باشد با کادرهای
از نوع سهند که قتل خود شان طی همن
چهار سال اخیر حیات سیاسی خود به
محفل بازی با این با آن گرم و شنکری
مشغول بودند؟

آن دیگری برای خود شر وا پند ور حب
آن دیگری برای خود شر وا پند ور حب
آن دیگری برای خود شر وا پند ور حب

آن دیگری برای خود شر وا پند ور حب
آن دیگری برای خود شر وا پند ور حب
آن دیگری برای خود شر وا پند ور حب

آن دیگری برای خود شر وا پند ور حب
آن دیگری برای خود شر وا پند ور حب
آن دیگری برای خود شر وا پند ور حب

آن دیگری برای خود شر وا پند ور حب
آن دیگری برای خود شر وا پند ور حب
آن دیگری برای خود شر وا پند ور حب

آن دیگری برای خود شر وا پند ور حب
آن دیگری برای خود شر وا پند ور حب
آن دیگری برای خود شر وا پند ور حب

آن دیگری برای خود شر وا پند ور حب
آن دیگری برای خود شر وا پند ور حب
آن دیگری برای خود شر وا پند ور حب

آن دیگری برای خود شر وا پند ور حب
آن دیگری برای خود شر وا پند ور حب
آن دیگری برای خود شر وا پند ور حب

آن دیگری برای خود شر وا پند ور حب
آن دیگری برای خود شر وا پند ور حب
آن دیگری برای خود شر وا پند ور حب

آن دیگری برای خود شر وا پند ور حب
آن دیگری برای خود شر وا پند ور حب
آن دیگری برای خود شر وا پند ور حب

چه کادرهای هستند؟
سهند در طالعه دیگری از همین نویسند.
وهمین کتاب با این سقطیل پایه شخص
مدد هد و مصیخت زبان این مدت کوته

را روشن می‌سازد.
شرايط غیرو ایجاب می‌کند لجه‌بیش

برولتری برای پیش‌رفتن پسی اید شلوذی
انقلابی خوشنودنا پند کان آن د زان در و
معن دست در رازند. این اید شلوذی

مارکسیسم انقلابی و مطابق کان آن
هستیم. «ما می‌بینیم بچائی پرسیم که

علار مید مام. «طیا پذ خود مان را
بار ور کنم!» طبقه کار لرجوز خط

و جریان نهیتوان در برابر پیدا نهادند.
بسی موسی الیم شماره، «ناکید از طبیعت

تهریهای سهند با هشکل کوشهای
وقتی بازیها تنهایا بین سوال پاسخ
شخص میدهند؛

یا می‌توانید ردت کوته همیان تهداد
از تقدیرهای که با سقون فقرات حزب
را شکل دهند. «دادهای ای که شکل

حزب را در نشستن هرا حل شکل گیری و
تحکیم آن ثامن و تھیم کند ندند ندست
پاینم.»

(بسی موسی الیم شماره ۵).
اما این آما پان هوشیارتر آن هستند
که آن هند هچنی صدق و شکری که از

سلفکارهای بدست داده اند، —
بلطفه سلفکارهای « مجرب » و « لار آزمده »

سهند را بیش برازند کان و دارند کان این
خصوصیات معرفت کند. « آنها زیرک شر
از آن هستند که خواهند بساد کی القاتا



سالهاي اخري و خوشبخت بی تظاهر جيش
انقلاب طبقه مارکاري همین سالها
پيشگاهان پر رفته اين را ده ها ترين
چلو پرورد است.

تجربه مطالعه هر دو سالهاي پرسنل هست
وزير تarin و جامه هستون و سهارابها
آورده است. سازمان طبقه مارکاري هست
چون خود ذهن سازمان کونسيت در نهضت
گرگري آوان، در پرونده حومي بهت —
بنفس توجه طار و مبارزه عطی طبقه اگر
غیره ناصليه است نكثه، تجربه شاهزاد
پارتوپوش بر جاسته، بد اگر در سهارها
بد پر وظایف بد بد پر وظایف سازمان
که است. وظایف بد جدید مبارزه درین
سازمان را با هرگونه کراپشات انحراف
و غیره اشی، تحقیق پنهانه، شده است
سازمان درون سازمانی بعلت و سمت
خر و کونسیت بعده در مدد و داده احتیاجي
خاند. این مبارزات نهادها را يشایت
راست یکجا توپرای سخا هرنا استوار و
پهلو پهلوستهای "مسازگران" درون —
سازمان را اطراف دهند و هر دلکه همچو
در پهلوپوش نهادن بسیاری از گراپشات
انحراف را پکشند. درین سازمان واسم
ساقعه، کونسیت و درگوش و کنار جيش
گارگري، جا شوش گردیدند، نشي بسیار
موشی ایقاگرد.

برونجان دست زاره و عنیستهای له
از درون سازمان طرد شدند و چه
آنهاي که درین نزدیکی هم شدند این
جهت آنهاي آنهاي امدو راه شدند
از هر چهارماي زیاده و چهارم بیکاره هم
پهلو پهلو هن آنهاي خود را بزیان هم آورد
اعمالگاهه داشتند. بند این شدیلا ترا
که است یکجا فعال است نهادها را
جنپش کونسیت را. بعد شهند بارزها
دانش بسیار زیاده. انتیم است
که همچو همچو، بیهم دلیل است که بارزه
عیینه اماز سطح فرات را خسرو و سرفراز را

بالاخره معاوت دیده اند های "اصلی"
نویسنده کان سهند را با گراپش طبقه هست
و اراده همکاری باشد ها تین پیغام بخواه
کونسیت ایوان را بر راه ایک خدا خشم.

سک کارکومه له ۰۰۰ (۳)

بالآخره است هم شاه بزم بصر چیست?
اگر ملتها نهاده است که همچو شیک کاره
کونسیت را صلحی نهاده بسیار
خوب، اولاً کشیده همی هسته اگر هم
ناکون هم بزم بوده بوده نه اصلی
خود این شیوه را آموخته اند، بسیار
کار کونسیت و اصول "آملاد" نهاده
یافته اند. و تانها میتوانند کادرهای —
کونسیت در ظرف چند هم "آلهه" کنند!
وس کمیتهای ناچیز و خلاف قلای زمانی
خصوص و حقیقت همچو سرچند ماصا شد.
شیوه نهاده نهاده همچو سرچند ماصا شد.
با ولونتا رسیم حساب آید و نهاده بود که
نهاده امشخص کند.

ولونتا رسیم را مر تشکیل حزب دین کامه
اراده همکاری با نهاده است که همچو هم
تجوییقاً نهاده همی. عینی ماده و
بدون در نظر گرفتن طرزهای نهاده
حزب بجهایش آن اقدام کند و که سازمان
منظمهای یا یک محل و توجه و شفافیت را
کمتر نهاده بارز طبقه کارهای را درین
بخش موثر یا چند کارخانه همی نهاده
حزب نهاده بجهایش آن اقدام کند و که سازمان
منظمهای یا یک محل و توجه و شفافیت را
کمتر نهاده بارز طبقه کارخانه همی نهاده
رایجای وظایف و خصوصیات حزب بطور
شخص نهاده بجهایش آن اقدام کند و که سازمان
کونسیت طبقه کارخانه همی را بطور
جا بگزین پوند بطور اخصر بسازد "در
دید کامه لونتا رسیتی چند برشته همچو
طبقه ای را میگرد. و نهاده بجهایش
بهای وظایف طبقه ای اشته بجهایش
حال میمی پس نهاده شیک کار و شفافیت
کونسیت لهدون دست بارز ایان شفافیت
نهاده ای ایجاد و استحکام بخوبی ساخت.
بسیان اورد. تجربه ای بجهایش طبقه ای

نهاده (۰۰۰ هرای شناختن حزب باشد
ادرهانی داشت و وجود آورد همراه با
نهاده (نهاده کونسیت ایکیانند و
نهاده همکاری را درک کنند" .
لوبنتر رسیم خواهار تشکیل حزب باز طرق
و خود تغیری سازمانی نیویهای طرفدار
برنامه حزب در کیفیت موجود آنها است.
خوب که ای همکاری کیفیت موجود مان
تشکیل "همکاری خواهد بود با نظرات
یوناپهه طبقی اما تحت تاثیر شیوه ها و
ملکرد خرد صورت یافی".
پسیم رسیم شماره صفحه ۱۰)

! طاره جای د یکم گوید:
ها حزب را در گیا استواری جنبش مان
برونتای بر ایک بخشی هم را مر تشکیل حزب دین کامه
میدانم و معتقد همیتوانم هم برد اشن
این گام تین کنند. را بعد یکم شرکه ها
(کوچله) توضیح دهیم. جنبش مان
میتواند جنبش پاشد که در ظرف چند
ماه از نظر اصل بر ایک ازان جنبش
و بخطیه که خدمت نامه را کیم فعالیت
میگرد، صدر، پسر میباشد.
طی عوانیم در ظرف چند طه و مهیت طی
جهای، کونسیت ایان را در رضا بیان از خام
اشکال فعالیت خرد همیروا کیمیا
لیست تسبیت خانه همیروا کیمیا
لیمیروا با خود بیهودیم دفن کنیم.
میداشتی این گامهای شرط لازم —
تشکیل حزب کونسیت است. شرطی که
شیوان ای فراز آن گذشت.
پسیم رسیم شماره صفحه ۹

نکیده ها زماست)
جب لی معنی مزندی سیاستی
اید نهاده و نهاده و نهاده و نهاده
را همچو همچو، پس همچو همچو با "لونتا رسیم
رسیم فقط بجهایش چند هم بود (آری —



تود میای بیو لغز، نیمه هر واشری بواشیار
غیر معرفت روی همین روز از نیمه هر روزات طی
از جندت ساله خود، چهار چیزیای کلی
و باشواران گذاشت از اینجا شناختن آمد.
این طبقه هزار زیران است که اینجا و اکاف
دیرنامه خود را از املاه شنیدند، هشتم
نهایت خود را پیدا کرد، نعمتباشیں کرد
بلکه اینها پهلو همچو ایزاردیاد تطبیقاتی
خوبیش مبدل ساخته طبقه کار کردند.
آن خلقه "را پدست گردید، ظاهرا در
لایه خوبیکو نیست تعلیمات و مقدم تعریف
و طبقه طبقه کار کردند، شویش تدازی
در خلیلها رخواسته چونشان خلاصه ایران است
که کوئی اینها امکانی را در جهت داشت یا نی بله
ایران کلمه "ریج" را پیدا کرد، کوئیش ایران و جهان
ایران کلمه "ریج" را پیدا کرد، کوئیش خوب کوئیش
ایران است، باشد مجد اینها احساس
مشکلیست، کامل مسائل مربوط به مرغه
سازماند هر چند شرکه طلاقار پادشاهیست
و زده کوئیشها را که بودند قرار گردید.
مشکل، خوب کوئیش ایران از خود رود و
جه اول در آن "پنگ" پنگ برخانه واشیو مشتر
بودند داشت، همچنان لذابیون در خوشی
کوئیشها را پیدا کردند، اینها از اینها
باشد شنیده ایران و نهالیت خود را حمل این
که پنگ کر کردند، مباریه ایران، شنید
برخوانه همچو لذابیانها بدیک امر جدید
و خوبیشی تجلیل شدند.

کوئیش ای ریج اه های کوئیش اه های

کوئیش اه های

کوئیش اه های دهیا دهیا دهیا دهیا دهیا دهیا
روز میگیم صیهردی هر چشمیم بآذن
و صنعتی دیورکنا و جوییار اشک پنهان، رویجا مقر مزا الهمی اندوه
و هماز، میگردد و میشیند بازد کهواری ۷ لاله های قورمزا ضبه
نایکا دیشت جوییار اشک صیروید
چون گردیدی دتفته ای آتش، شقا یقیای خونین مردادی
برخوانه با پادشاهی دیورکنا و میشیدی هر چشمیگی
پر میگشند بزندبا دیورگ و آزادی
شیخی و رفیعی بیرونی کشیده اند

بعد و خصیت عینی و دهنی جامع مطری
یک دیور چنین چهار ایوان حاکم بود،
امروز لار خشت بی مقدور رسانید اشتمنار
و نابودی ناصل فرار گرفتند.
تبخاپا از میان رفتن این گواهی شیوه ها
و سبک دار صاحب با آن شیوه یعنی
نهاد، و سیوهای توین گویند تو پطیر
قطعی جای آنرا نشاند گرفت امام طیفان
اپهرو تونیستهای سینه دی پاخشک مفتی
بی ما نندی، ملاش دارند این پد عذری
زندگانه دارند. آنها همانند حزب تود
که بکوی راهنمایند، آوینند ستد خود کرده
لار گری ایوان بود با غفرانی عمل پنهان میگشند
لیاقت مستکر و تشكل مستقل چهول گلار
چایهای حزب تود مکان شنیدند و میخواهند
سارماند هی خود را جا گزین سازند اینها
پرولتاریا سازند.

هم اکنون مزیندی آشکار طبقه ای ششیل
آنهاشی خود گرفتند و ایوان سلطه دنیا سیاست
احرز، مراحل علاوه، خود را ایشان
 تمام طبقات و اقتدار اجتماعی، ای ایشان
 چون زوانی سلطنت ملک، بیرونیان بی همراهی
 و همه عشایر خرد میگشند و میگرا پنهان
 و طایلات طبقاتی درون خوش برادر پیش
 صیانیو - تشكیلاتی تسلیمان ای ایشان
 خانم خود چلوکر صاحبیه بود، هر سه محل
 فعالیت خود علاوه اینها پیش گذشتند.

سیک کا رکومله، ۵۰۰ (۲)

بیشترینی مثل همایه ای ایشان
بیخ آموزه شد چیزی بد و توظیه های
بیعت، مبارا این شیوه ای ایشان سبک شیراز
لار ایشان سازمان آشنا شد طام
حزب تود نیز از همان ایلحن روزهای حرم
ازمان تمت پوشش بارز میباشد چه کی
و دید کاهیان مائویستی بیارزیها سازمان
نشانی پرداخت، حزب تود صیغه "شی
چه کوی راهنمایند، آوینند ستد خود کرده
بود که بکوی "پرلایس" فداش را، تسبی
اشاره دارند، بیشتر بیشتر تود مدشنسی
اکثریت ایشان و سفر با عدویانی را بایصلت
شیوه ای ایشان، نیز که نمترینهاش تیپش
چیزی، سیند ناشیانه تروآ شکارتر.
یهی حال آنچه ایوان منوان حداقل تجربه
آنهاشی خود گرفتند و ایوان سلطه دنیا سیاست
احرز، مراحل علاوه، خود را ایشان
 تمام طبقات و اقتدار اجتماعی، ای ایشان
 چون زوانی سلطنت ملک، بیرونیان بی همراهی
 و همه عشایر خرد میگشند و میگرا پنهان
 و طایلات طبقاتی درون خوش برادر پیش
 صیانیو - تشكیلاتی تسلیمان ای ایشان
 خانم خود چلوکر صاحبیه بود، هر سه محل
 فعالیت خود علاوه اینها پیش گذشتند.

کوئیش ایران است.
دیگر چیزی، شنیده منیت دیگر ایشان
یهی لایقی و سبک دیگر ای ایشان دیگر ایشان

کوئیش ای ریج اه های هر چشمیم

نیم دوا این طلول چون بروانه ای خونین
آرام و غمگین صیهردی هر چشمیم بآذن

و صنعتی دیورکنا و جوییار اشک پنهان، رویجا مقر مزا الهمی اندوه
و هماز، میگردد و میشیند بازد کهواری ۷ لاله های قورمزا ضبه
نایکا دیشت جوییار اشک صیروید

چون گردیدی دتفته ای آتش، شقا یقیای خونین مردادی
برخوانه با پادشاهی دیورکنا و میشیدی هر چشمیگی

پر میگشند بزندبا دیورگ و آزادی

نداشی شهد سبب لطفا شیور



افق‌الایام‌مشروطه

دلوی بزرگی اوتاریخ

خواهان تداوم انتقال‌بود تحقیق اهداف -

: انتقال‌بود منطقی چشمکش برودند.

انتقلاب‌بینون بیرونی رفتاری شدند.

سلطنه‌بلمان از عوامی‌جهان همراه بیش از بیش آمدند، اینها باخت -

انتقلاب‌بینون چندین کاری از رسوم

وقوای‌جهان چندین کاری قرون وسطی

را ملتفی‌ساخت "ما" ماسته است شهادت

لاب ارضیا میریها مفتوح کنند و عمل -

آورند

انتقلاب‌بینو، بینا به یک وظیفه

میری انتقال بورژوا دکرانیک متحقق

شد، با بنویل‌ها نقلاب نتوانست

نیروی اعظمی از دهستان را بادا: اگر

از خود زبانگیزد،

مذاقه این‌گرایان روزی وانگلیس

در آمودرایا خلقی ایزد، تیرباران

آنها در داخلی اخلوای است و بربار مبارزه

آن‌ها بین انتقال‌بینون شروعه طلب می‌فرزد. در

واعیان انتقال، مشروطه‌با در با روا عیان

التراف ایزان بکه‌با دوا میریا لیسم

روزی وانگلیس شفرز و برویود.

از خواهی‌بینون همیمان طی یک نفعه

از خلی طریزی شد، خائناه مقاومت

سرا و خان و همراه‌ماشی و شکستند و موفق

به شکن مطلع آنها شردیدند.

که‌یعنی شعله‌ها عای انتقال فرونشست

، انتقال بین‌الملوک دیگران بعده از جمال

کشیده بیرون و ملکوب خدا انتقال گشت

کشیده بیرون و خودان یک نفعه دکرانیک

کشیده بین‌الملوک انتقالی، اتحاد میروهله

ی از شخصی، و خدا خله و میمه و انگلیس

و خواهی‌بینون همچو از نیروها رویداد

بین‌الملوک شف داریخا فیضه دیگر برویود

برهبری انتقال شروعه بدست عناصر

بورژوالیپرال، تجارت و شنگران

و استهانه‌ایها افتاد، آنها راه خود

را از شوده‌ها و نیروها می‌دیدند انتقال

جدا ماختند،

در آن دوران بیان بیزیم شود.

استهانه‌ایها افکنده بودند.

بین‌الملوک داشتند از هر روز بیش از

دویست هزار ریال، می‌گردیدند و قدرت

ایرانیان بزرگ بیشتر از ۱۵۰ میلیون

در آن دوران وجود داشتند.

بین‌الملوک داشتند از هر روز بیش از

دویست هزار ریال، می‌گردیدند و قدرت

ایرانیان بزرگ بیشتر از ۱۵۰ میلیون

در آن دوران وجود داشتند.

بین‌الملوک داشتند از هر روز بیش از

دویست هزار ریال، می‌گردیدند و قدرت

ایرانیان بزرگ بیشتر از ۱۵۰ میلیون

در آن دوران وجود داشتند.

بین‌الملوک داشتند از هر روز بیش از

دویست هزار ریال، می‌گردیدند و قدرت

ایرانیان بزرگ بیشتر از ۱۵۰ میلیون

در آن دوران وجود داشتند.

ایران محمول آن بود، در انتقال شروعه طبقه‌ی رکسیون

ضفیکیسی و گرفتار شدیده‌ی رکسیون

برآگنده بنا فتنه‌گذاری و کارخانه

سطح پائین آن کی هی بیخورد را بیوپند

که بتوانند در انتقال شروعه کشیدن

یکی از عده‌ی قرین انتقالی رکسیون

استهانه رکاردا شتندند انتقالی رکسیون

فعالی بیخورد را ونمودند، درست بیوپند

در بیوپند طبقه‌کاری رکاردا شفند

روکشیده بیوپند طبقه‌کاری رکاردا شفند

رها بری انتقال شروعه بدهش عناصر

بورژوالیپرال، تجارت و شنگران

و استهانه‌ایها افتاد، آنها راه خود

را از شوده‌ها و نیروها می‌دیدند انتقال

ش انتقال بیوپند در حد سازش

فیضوده‌ها و میریا لیسم شود.

سازش اند انتقالی آنها با استهانه ای

ایرانیان بین‌الملوک شیره را می‌گردند.

چه بیشتر تقویت و موافع بیزکسی

در دریا راه پیشرفت انتقال ایجا نشود.

آنها بنایه سرشت طبقه‌ای خود

متهم شدند که بین‌الملوک ایجا نشود

ستند و بیشترین میانی خود را دریا

خوش شافتند انتقال بکاراند از خود

آنها بدرنگ بخلم لایه اند ایجا نشود

و سرکوب انتقال بزداختند، انتقال

سلح شد، آزادیهای دمکراتیک ایجا نشود

نه حفاظتی و امنیتی ایجا نشود، ایجا نشود

از شیرهای به تعلیم درآمد، آنها بیرون

برهبری سردار دلاور خلیق، شفند شفند

خاطری مدها شهیده‌برجا کذا شتند.

سردهای سخت حماشی توده‌ها

صف نایدی ایجا نشود، آنها برای بیشتر

جشن سرختش و نقا و مت بین‌الملوک

شان دادند، می‌گردند و تلاش دلیرانه

توده‌ها در محدوده‌های معنی‌بین

که می‌گردند و از بکو قانون ساز

مردان انتقالی حضیش فوجه‌ی همیش

نظیره‌ای رخان و ساقه‌ای رخان و

کموئیهای بزرگی بیون جمع

عموا و غلمه‌های توده‌ها را شفند شفند

و هر گزه‌ایها پشت نکره‌ند و پیش‌یار

